

دعای ندبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده و مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا
ستایش مخصوص خداوند است، پروردگار جهانیان؛ و درود خدا بر سرور ما محمد، پیامبر
او، و خاندانش باد، همراه با سلامی کامل.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ
خدایا! سپاس تو را بر آنچه که قضای تو در حق اولیائت جاری ساخت—آنان که برای
خودت و دینت خالص گرداندی و برگزیدی.

إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ
آنگاه که برای آنان از نعمت‌های بزرگ و پایدار نزد خودت برگزیدی؛ نعمت‌هایی که نه زوال
دارد و نه نابودی.

بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّيْنِيَةِ وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرِجِهَا
پس از آنکه شرط کردی که از مقامات پست دنیای فانی و جلوه‌های فریبنده و زیبایی‌های
آراسته آن دل بکنند.

فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ
آنان نیز شرط تو را پذیرفتند ، و تو وفاداری‌شان را در دل و عمل‌شان دانستی

فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ
پس آنان را پذیرفتی ، به خود نزدیک‌شان ساختی ، و یاد بلند و ستایش آشکاری را برای‌شان
مقرر کردی.

وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ
و فرشتگان را بر آنان فرود آوردی ، با وحی‌ات بزرگ‌شان داشتی ، و با علم خود
پشتیبانی‌شان کردی

وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ
وان و آنان را وسیله‌ی رسیدن به سوی خودت و واسطه‌ی نیل به رضوانت قرار دادی.

فَبَعْضٌ أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ إِلَى أَنْ أُخْرِجَتْهُ مِنْهَا

پس برخی را در بهشت خود جای دادی، تا آن گاه که آنان را از آن بیرون آوردی. (این جمله به حضرت آدم اشاره دارد، که ابتدا در بهشت جای داشت و سپس به زمین فرستاده شد.)

وَبَعْضٌ حَمَلَتْهُ فِي فُلْكَ

و برخی دیگر را در کشتی‌ات حمل کردی. (اشاره به حضرت نوح علیه السلام که همراه با مؤمنان سوار کشتی شد و از هلاکت رهایی یافت.)

وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ

و او را—و کسانی را که با او ایمان آوردند—به رحمت از هلاکت نجات دادی. (اشاره به حضرت نوح علیه السلام که همراه با مؤمنان، از طوفان رهایی یافت.)

وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا

و برخی را برای خود به عنوان دوست برگزیدی. (اشاره به حضرت ابراهیم علیه السلام که «خلیل الله» نامیده شد—دوست خاص خداوند.)

وَسَأَلْتَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ

و از تو درخواست کرد که در میان آیندگان نام نیکی برایش قرار دهی؛ و تو خواسته‌اش را اجابت کردی.

وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةِ تَكْلِيمًا

و آن را مقام والایی ساختی؛ و برخی دیگر را از میان درختی با او سخن گفتی، سخنی آشکار.
(اشاره به حضرت موسی علیه السلام که از درخت طور، با خداوند سخن گفت.)

وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِدْءًا وَوَزِيرًا

و برای او از برادرش پشتیبان و یآوری قرار دادی. (اشاره به حضرت هارون که یاور حضرت موسی شد.)

وَبَعْضُ أَوْلَدَتِهِ مِنْ غَيْرِ أَبِي

و برخی را بی آن که پدری داشته باشند، به دنیا آوردی. (اشاره به حضرت عیسی علیه السلام که از مادرش حضرت مریم سلام الله علیها بدون پدر متولد شد.)

وَأَتَيْتَهُ الْبَيْنَاتِ، وَأَيَّدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ

و به او نشانه‌های آشکار دادی، و با روح القدس او را یاری کردی.

وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ

و برای هر یک از آنان شریعتی وضع کردی، و راهی روشن ساختی، و برایشان اوصیایی برگزیدی.

مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ

و نگهدارنده‌ای پس از نگهدارنده‌ای، از زمانی تا زمانی دیگر، برای برپایی دینت قرار دادی.

وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلَيْلًا يَزُولُ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ

و حجتی بر بندگان‌ت قرار دادی، تا حق از جایگاهش دور نشود.

وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا

و باطل بر اهلش چیره نشود، و کسی نگوید: چرا به سوی ما پیام‌آوری هشداردهنده نفرستادی؟

وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى

و برای ما پرچم هدایت‌گری را برافراشتی تا پیش از آن‌که خوار و رسوا شویم، از نشانه‌هایت پیروی کنیم. (این پرچم هدایت، اشاره به پیامبران، امامان و بالاخره حجت الهی یعنی امام زمان عج دارد.)

إِلَى أَنْ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

تا آن‌گاه که فرمانت را به دوست و برگزیده‌ات محمد (ص) سپردی.

فَكَانَ كَمَا اُنْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ

و او همان گونه شد که او را برگزیده بودی: سرور همه آفریدگانت.

وَصَفْوَةً مِّنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مِّنْ اجْتَبَيْتَهُ

و برگزیده‌ترین کسانی که انتخاب کردی، و برترین کسانی که برگزیدی.

وَأَكْرَمَ مِّنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ

و گرامی‌ترین کسی که به او اعتماد کردی؛ او را بر همه پیامبرانت مقدم داشتی.

وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ

و او را برای همه انسان‌ها و جن‌ها از بندگانت، پیام‌آور ساختی.

وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ

و شرق‌ها و غرب‌هایت را برای او هموار کردی، و «بُرَاق» را برایش رام نمودی. (اشاره به مرکب معراج پیامبر در شب معراج.)

وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ

و روح او را به آسمانت عروج دادی. (اشاره به معراج پیامبر (ص) و بالا برده شدن روحش به ملکوت.)

وَأُودِعْتُهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ

و علم آنچه بوده و آنچه خواهد بود تا پایان آفرینش را در او به ودیعه نهادی.

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ

سپس او را با ترس (در دل دشمنان) یاری دادی

وَحَفَفْتُهُ بِجَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

و او را با جبرئیل و میکائیل و فرشتگان علامت‌دار از فرشتگانت احاطه کردی.

وَوَعَدْتُهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

و به او وعده دادی که دینش را بر همه ادیان برتری دهی، هرچند مشرکان ناخوش داشته باشند.

وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبَوَّأً صَدَقَ مِنْ أَهْلِهِ

و این، پس از آن بود که برای او جایگاهی راستین از میان خاندانش فراهم کردی.

وَجَعَلَتْ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ
مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا

و برای او و اهلش، نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا نهاده شد قرار دادی—در سرزمین
مکه، خانه‌ای مبارک و راهنما برای جهانیان؛ در آن نشانه‌هایی روشن است، جایگاه ابراهیم
است، و هر که وارد آن شود، در امان است.

وَقُلْتُ: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»
و فرمودی: همانا خدا می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و شما را به خوبی پاکیزه
سازد.

ثُمَّ جَعَلَتْ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ
سپس پاداش محمد (درود تو بر او و خاندانش) را محبت خاندانش در کتابت قرار دادی.

فَقُلْتُ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»
پس گفתי: بگو، من بر این رسالت هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر محبت به
خویشاوندان.

وَقُلْتُ: «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»
و فرمودی: هر پاداشی که از شما خواستم، به سود خودتان است.

وَقُلْتُ: «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»

و فرمودی: هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم، جز اینکه کسی بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند.

فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ

پس آنان، همان راه به سوی تو بودند.

وَالْمَسْلُكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ

و همان مسیر رسیدن به رضایت تو

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا

و چون روزگارش به پایان رسید، جانشینش علی بن ابی‌طالب را—درود تو بر آن دو و خاندانشان—را به عنوان هدایتگر برپا داشتی.

إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْدِرَ وَ «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»

همان که هشداردهنده بود؛ و برای هر قومی راهنمایی هست.

فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهُ

و در حضور جمع گفت: هر کس من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست. (اشاره به واقعه غدیر، و معرفی رسمی حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان جانشین پیامبر.)

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ

خدایا! دوست بدار کسی را که او را دوست می‌دارد، و دشمن باش با کسی که با او دشمنی می‌کند، و یاری کن یاری‌کنندگان را.

وَإِخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ: مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيَ أَمِيرُهُ

و خوار کن کسانی را که او را خوار می‌سازند، و فرمود: هر کس من پیامبر او هستم، علی امیر اوست.

وَقَالَ: أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى

و فرمود: من و علی از یک ریشه و درخت هستیم، و دیگر مردم از درخت‌های پراکنده‌اند.

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

و او را در جایگاه هارون نسبت به موسی قرار داد؛ و فرمود: تو نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی هستی، جز آنکه پس از من پیامبری نخواهد بود.

وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

دخترش، سرور زنان جهانیان را، به همسری او درآورد.

وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ

برای او از مسجد خود آنچه را که جایز بود حلال کرد، و همه درها را بست جز در خانه‌ی او.

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ

سپس دانش و حکمت خود را به او سپرد.

فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا

فرمود: من شهر دانشم، و علی دروازه‌ی آن است.

فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا

پس کسی که می‌خواهد وارد شهر دانش و حکمت شود، باید از دروازه‌ی آن وارد شود (یعنی علی).

ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي

سپس فرمود: تو برادر منی، و وصی و وارث من هستی.

لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمُكَ مِنْ دَمِي، وَسَلْمُكَ سِلْمِي، وَحَرْبُكَ حَرْبِي

گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من است، صلح تو، صلح من است، و جنگ تو، جنگ من است.

وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي

و ایمان، با گوشت و خون تو آمیخته شده، همان‌گونه که با گوشت و خون من درآمیخته.

وَأَنْتَ غَدَاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي

و فردا (در قیامت) کنار حوض کوثر، جانشین من خواهی بود.

وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَتُنْجِزُ عِدَاتِي

و تو بدهی‌های مرا ادا خواهی کرد، و وعده‌هایم را به انجام خواهی رساند.

وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبِیْضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ حِيرَانِي

و پیروانت، بر منبرهایی از نور، با چهره‌هایی درخشان، پیرامون من در بهشت خواهند بود؛ آنان همسایگان من هستند.

وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيَّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي

و اگر تو نبودی ای علی، مؤمنان بعد از من شناخته نمی‌شدند.

وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ

و پس از او، راهنمایی از گمراهی بود

وَنُوراً مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ

و نوری از تاریکی، و ریسمان محکم الهی، و راه راست او بود.

لَا يَسْبِقُ بَقْرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ

کسی در نزدیکی نسبی با پیامبر، یا پیشی در دین، بر او سبقت نگرفت.

وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ

و در هیچ یک از فضائل او کسی به او نمی‌رسد

حَذُّوْا حَذَّ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا

در جای پای پیامبر خدا ﷺ گام نهاد، و همانند او مسیر حق را پیمود.

وَيَقَاتِلْ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ

با جان و باور از حقیقت نهفته آیات دفاع کرد، بی آنکه از سرزنش سرزنش‌گران در راه خدا
بیمی به دل گیرد.

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ

سرفرازانه شمشیر زد بر سران مغرور عرب؛ بی ملاحظه، بی تساهل.

وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَنَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ

قهرمانان‌شان را بر خاک انداخت، و با گرگان صحنه جنگ درآویخت.

فَأُودِعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ

و دل‌هایشان را آکنده ساخت از کینه‌های بدر، خیبر، حنین، و دیگر جنگ‌های تلخ گذشته.

فَأُضِبَّتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ، وَأُكْبِتَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ

دشمنی با او را به جان خریدند، و سراپا در مخالفتش فرو رفتند.

حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ

تا آن‌جا که پیمان‌شکنان، ستم‌گران، و شورش‌گران را در میدان نبرد فرو نشاند و نابود ساخت.

وَلَمَّا قَضَىٰ نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْأَخِيرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ

با پیمان خویش وفا کرد، تا آن‌که شقی‌ترین واپسین دوران او را گشت؛ همان‌که دنباله‌رو شقی‌ترین انسان‌های نخستین بود.

لَمْ يَمْتَثِلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ

فرمان پیامبر خدا ﷺ در حق هدایت‌گران پس از هدایت‌گران، نادیده گرفته شد؛ بی‌اعتنا به رسالت آسمانی.

وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ

و امت، سرسختانه بر نفرت و دشمنی با او پافشاری ورزیدند.

مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةٍ رَحِمِهِ

و در قطع پیوند خویشاوندی با او، هم‌داستان و متحد شدند.

وَإِقْصَاءٌ وَلَدِهِ

و فرزندان را از جایگاه‌شان دور ساختند، رانده از مرکز حق.

إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ

جز اندکانی، که در رعایت حق نسبت به خاندان او، وفادار ماندند.

فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ

آنان که کشته شدند، جان خویش را در راه حق فدا کردند...

وَسُيِّ مِّنْ سُبَى

و آنان که به بند افتادند، در مسیر رسالت اسیر شدند...

وَأَقْصَى مِّنْ أَقْصَى

و آنان که دور شدند، به ناحق از میدان حقیقت کنار زده شدند.

وَجَرَى الْقَضَاءِ لَهُمْ بِمَا يَرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ

و حکم الهی در حق ایشان جاری گشت، امیدبخش پاداشی نیکو از سوی پروردگار.

إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ «يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»

و یاور کسانى که جز تو یاوری ندارند

«وَسُبْحَانَ رَبِّنا إِن كَان وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً»

و منزه است پروردگارمان ، که وعده‌اش حقیقتی بی تأخیر و بی تخلف است.

وَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و هرگز خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌گذارد؛ که او عزیز و حکیم است.

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ

پس باید که گریان‌ها بر پاکانِ خاندان محمد و علی علیهما السلام بگریند؛ آن گل‌های مظلوم حقیقت.

وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ

و ندبه‌کنندگان بر ایشان ندبه کنند؛ بر مظهر هدایت ، و بر حجت‌های ربانی.

وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدُّمُوعُ

برای همانند آنان ، باید اشک‌ها جاری شوند؛ بر غربت نور، در ظلمت روزگار.

وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ

فریادگران، فریاد زنند؛ برای گشایش، برای دیدار وعده‌دار.

وَيُضِجَ الضَّاجُونَ

و ضجه‌زنندگان، ضجه زنند؛ در تمنای طلوع صبح وصال.

وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ

و دعاگویان، با تمنای شتاب، ناله کنند؛ که ظهور را نزدیک می‌دانند، اگرچه برخی آن را دور می‌پندارند.

أَيْنَ الْحَسَنُ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ أَبْنَاءَ الْحُسَيْنِ؟

کجایند حسن؟ کجایند حسین؟ کجایند فرزندان پاک حسین؟

صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ

صالحی پس از صالحی، صادقی پس از صادقی... کجاست راهی پس از راهی؟ کجاست مسیر حق که از نسلی به نسل دیگر سپرده شد؟

أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟

کجایند برگزیدگان پس از برگزیدگان؟ آنان که چراغ هدایت بودند، یکی پس از دیگری...

أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟

کجایند خورشیدهای تابانِ حقیقت؟ آن طلوع کنندگان بر ظلمت روزگار؟

أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟

کجایند ماه‌های نوربخشِ هدایت؟ آنان که در شب‌های سرد، روشنی بخشیده‌اند...

أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟

کجایند ستارگان درخشان؟ نشانه‌های آسمانی ایمان و بصیرت...

أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟

کجایند پرچم‌داران دین؟ ستون‌های علم و اندیشه؟ آن نگاهبانان مرزهای معرفت...

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ؟

کجاست باقی‌مانده‌ی خدا؟ آن چراغ خاموش‌ناشدنی از نسل هدایت‌گر پیامبر؟ حجت موعود...

أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ؟

کجاست آن آماده‌شده برای ریشه‌کشی ستمگران؟ که زمین از زخم ظلم خسته شده...

أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَمِ وَالْعَوَجِ؟

کجاست آن منتظر، برای برپاداشتن راستی و ستردن کجی‌ها؟ برای به سامان کردن این آشفتگی...

أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ؟

کجاست آن امید برآورنده برای برچیدن جور و ستم؟ برای زدودن غبار ظلم از چهره‌ی زمان...

أَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟

کجاست آن ذخیره‌شده‌ی الهی، برای نوگردانی واجبات و سنت‌های فراموش‌شده؟

أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟

کجاست برگزیده‌ی بازگرداننده‌ی ملت و شریعت به اصل زلال و بی‌آلایش‌شان؟

أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟

کجاست امید زنده‌کننده‌ی کتاب خدا و مرزهای احکامش؟

أَيْنَ مُحْيَى مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ؟

کجاست احیاکننده‌ی نشانه‌های دین، و جان‌بخش اهل ایمان؟

أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ ؟

کجاست درهم‌شکننده‌ی قدرت و تیغ ستمگران؟ آن نجات‌بخشی عدالت‌خواه...

أَيْنَ هَادِمُ أُبْنِيَةِ الشَّرِّكَ وَالنِّفَاقِ ؟

کجاست ویران‌کننده‌ی کاخ‌های شرک و نفاق؟ آن‌که اساس فریب را فرو خواهد ریخت...

أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ ؟

کجاست نابودکننده‌ی اهل فسق، نافرمانی و طغیان؟ آن فریاد خاموش‌شده‌ی مظلومان را پاسخ‌گو...

أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْعَيِّ وَالشِّقَاقِ

کجاست دروکننده‌ی شاخه‌های گمراهی و تفرقه؟ آن‌که وحدت را دوباره معنا می‌بخشد...

أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ ؟

کجاست پاک‌کننده‌ی ردّ گمراهی و هوی‌پرستی؟ آن‌که راه را روشن می‌سازد...

أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكَذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ ؟

کجاست برنده‌ی بندهای دروغ و افترا؟ که حق را از پرده‌ی ابهام بیرون کشد...

أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَةِ؟

كجاست نابودکننده‌ی ستمگران سرکش و یاغیان؟ آن‌که هراسِ ستم را به امن بدل می‌کند...

أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟

كجاست ریشه‌کنِ لجاجت‌پیشگان، گمراه‌کنندگان و منکران راه؟ آن‌که ظلمت را در هم می‌کوبد...

أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟

كجاست عزت‌بخشِ اولیای خدا، و خوارکننده‌ی دشمنان حق؟

أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؟

كجاست گردآورنده‌ی دل‌ها بر مدار تقوا؟ آن‌که تفرقه را یک‌رنگی خواهد ساخت...

أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى؟

كجاست درگاه خداوند، که راه رسیدن به او از آن‌جا آغاز می‌شود؟

أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟

كجاست آن جلوه‌ی الهی، که اولیای خدا با همه وجود به سویش رو می‌کنند؟

أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ؟

كجاست آن پیوند آسمانی ، که زمین را به ملکوت مرتبط می سازد ؟ همان واسطه ی رحمت ،

همان منبع فیض ...

أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى ؟

كجاست صاحب روز گشایش ، و افرازنده ی پرچم هدایت ؟ آن که با طلوعش ، مسیر حقیقت

نمایان می شود...

أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا

كجاست جمع کننده ی پراکندگی صلاح و رضای الهی ؟ آن که دل ها را به مهر و هدایت پیوند

می زند...

أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ ؟

كجاست آن مطالبه کننده ی حق پیامبران و فرزندان شان ؟ عدالت طلب تاریخ ، دادخواه

مظلومان ...

أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ ؟

كجاست آن طلب کننده ی خون شهید کربلا ؟ مهدی منتقم ، صداکننده ی حقیقت عاشورا...

أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى ؟

کجاست آن یاری یافته در برابر ظالمان و افتراگران ؟ که حقیقت را از زیر خاکستر تحریف بیرون می آورد...

أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يَجَابُ إِذَا دَعَا ؟

کجاست آن مضطر، آن دل سوخته‌ی منتظر، که دعایش مستجاب می شود ؟ صدای ناله‌ی امت، که به درگاه رحمت برخاسته است...

أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ؟

کجاست پیشوای خلاق، آراسته به نیکی و پرهیزگاری ؟ آن که اخلاق آسمانی اش، دل ها را صیقل می دهد...

أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى ، وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى

کجاست فرزند پیامبر برگزیده، و پسر علی مرتضی ؟ ادامه‌ی سلاله‌ی نور، وارث اسرار نبوت و امامت...

وَابْنُ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ ، وَابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى ؟

کجاست فرزند خدیجه‌ی پاک دامن، و فاطمه‌ی بزرگ ؟ زاده‌ی طهارت، گوهر ناب ولایت...

بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى

فدای تو باد پدرم، مادرم، و جانم؛ تویی پناه من، حصار من، امید من...

يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ الثُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ

ای فرزند بزرگان نزدیک درگاه خدا، ای فرزند برگزیدگان گرامی...

يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَذَّبِينَ

ای فرزند هدایت گران هدایت یافته، ای ثمره‌ی برگزیدگان پاک منش...

يَا ابْنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ

ای فرزند نجبای کریم، ای زاده‌ی پاکان طاهر...

يَا ابْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجَبِينَ، يَا ابْنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ

ای فرزند دلیران برگزیده، ای فرزند کریمان بلندمرتبه...

يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ

ای زاده‌ی ماه‌های تابان، ای فرزند چراغ‌های فروزان هدایت...

يا ابْنِ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ، يا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ
ای فرزند شهاب‌های روشن‌گر، ای زاده‌ی ستارگان درخشان حقیقت...

يا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ
ای فرزند راه‌های روشن، ای زاده‌ی نشانه‌های آشکار حق...

يا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ
ای زاده‌ی علوم کامل، ای فرزند سنت‌های ماندگار و مشهور...

يا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ
ای فرزند نشانه‌های ماندگار، ای زاده‌ی معجزات حاضر در میان ما...

يا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
ای فرزند دلایل آشکار، ای زاده‌ی راه مستقیم خداوند...

يا ابْنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ
ای فرزند خبر بزرگ، بشارت بزرگ ظهور و وعده خداوند!

يا اِبْنِ مَنْ هُوَ فِي اُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللّٰهِ عَلٰى حَكِيْمٍ
ای فرزند کسی که در لوح محفوظ و نزد خداوند، بلندمرتبه و حکیم است...

يا اِبْنِ الْاَيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ
ای فرزند نشانه‌ها و دلیل‌های آشکار و روشن...

يا اِبْنِ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ
ای فرزند دلایل آشکار و جلوه‌گر هدایت الهی...

يا اِبْنِ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ
ای زاده‌ی برهان‌های روشن و درخشان، چون آفتاب حقیقت...

يا اِبْنِ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ
ای فرزند حجت‌هایی که نهایت کمال و اثرگذاری را دارند...

يا اِبْنِ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ، يا اِبْنِ طه وَالْمُحْكَمَاتِ
ای فرزند نعمت‌های فراگیر، ای زاده‌ی «طه» و آیات محکم قرآن...

یا اِبْنِ یَسَ وَالذَّارِیَاتِ، یا اِبْنَ الطُّورِ وَالْعَادِیَاتِ

ای فرزند «یس» و «ذاریات»، ای زاده‌ی کوه‌طور و تندروان راه حق...

یا اِبْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِیِّ الْأَعْلَى

ای فرزند آن که به بالاترین مقام قرب الهی رسید، آنگاه که نزدیک شد و نزدیک‌تر، تا جایگاه قاب قوسین یا کمتر از آن...

لَیْتَ شِغْرِیْ أَیْنَ اسْتَقَرَّتْ بِکَ النَّوْیُ؟

ای کاش می‌دانستم که دوری، تو را در کجا مستقر ساخته؟

بَلْ أَىْ أَرْضٍ تُقْلُکَ أَوْ ثَرَىْ؟

کدامین زمین تو را در آغوش دارد؟ کدامین خاک میزبان قدم‌های نورانی توست؟

أَبِرَضْوَى أَوْ غَیْرِهَا أَمْ ذِی طُوًی؟

آیا در سرزمین رضوی، یا جایی دیگر؟ یا شاید در «ذی طوی»، همانجا که راز ظهور نهفته است؟

عَزِیْزٌ عَلَیَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا ثَرَىْ

چه سخت است که مردمان را ببینم اما تو دیده نشوی...

وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى

و هیچ زمزمه‌ای و صدایی از تو به گوش نرسد...

عَزِيزٌ عَلَى أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبُلُوَى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى

چه سخت است بلایی تو را فرا گیرد و من نتوانم فریاد یا شکایتی در حمایتت سر دهم...

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيِّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا

به جانم قسم، تو پنهانی اما لحظه‌ای از یادمان نرفته‌ای...

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا

به جانم قسم، تو دوری اما در دل‌های ما نزدیک‌تر از همه‌ای...

بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقِي يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا

به جانم قسم، تو آرزوی هر عاشق منتظری هستی؛ مرد و زن، یاد تو را در دل دارند و از شوق تو می‌سوزند...

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يَسَامِي

به جانم قسم، تو گنجینه‌ای از عزت که همتایی نداری...

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يَجَارِي

به جانم قسم، تو از خاندان افتخاری هستی که هیچ کس با آنان برابری نمی کند...

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لَا تُضَاهِي

به جانم قسم، تو وارث نعمت هایی هستی که بی همتاست...

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يَسَاوِي

به جانم قسم، تو از نصیب شرافتی برخورداری که هیچ کس به پایش نمی رسد...

إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكٍ يَا مَوْلَايَ وَ إِلَى مَتَى ؟

تا کی در حیرت و سرگردانی ات باشم، ای مولای من؟ تا کی؟

وَأَيُّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكٍ وَأَيُّ نَجْوَى ؟

با چه سخنی تو را وصف کنم؟ با چه زمزمه ای با تو نجوا کنم؟

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأُنَاغِي

دردناک است که پاسخ بگیرم ولی نه از تو؛ با کسی گفتگو کنم، اما نه با تو...

عَزِيزٌ عَلَى أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى

دردناک است که بر تو گریه کنم و مردمان تو را یاری نکنند...

عَزِيزٌ عَلَى أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى

دردناک است که رنجی بر تو روا شود و دیگران بی خبر باشند...

مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ؟

آیا یاورى هست تا همراهش ناله کنم، و اشک بریزم؟

هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا؟

آیا دل سوخته‌ای هست که در خلوت اندوهش، با او همدردی کنم؟

هَلْ قَذِيتُ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَذَى

آیا چشمی آزرده شده که چشمم بتواند همراهش اشک بریزد؟

هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى؟

ای فرزند احمد! آیا راهی به سوی تو هست تا بتوان با تو دیدار کرد؟

هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنَا مِنْكَ بَعْدَ فَنَحْظِي ؟

آیا روزی مان به وعده‌ی تو خواهد رسید تا سرفراز شویم ؟

مَتَى نَرِدُ مَنَا هَلِكَ الرَّوِيَّةِ فَتَرْوِي ؟

کی است که بر چشمه‌سار سیراب‌کننده‌ی تو وارد شویم و سیراب گردیم ؟

مَتَى نُنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى ؟

کی از آب شیرین تو بهره‌مند می‌شویم ؟ عطش مان طولانی شده است ...

مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَتُقَرَّرَ عَيْنَا ؟

کی صبح و شام با تو باشیم ، و دل مان آرام گیرد ؟

مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ تُرَى أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَوْمُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ
عَدْلًا

کی تو را ببینیم و تو ما را ببینی ، در حالی که پرچم پیروزی را برافراشته‌ای ؟ آیا خواهی دید ما
گرد تو حلقه زده‌ایم و تو پیشوای جمعی هستی که زمین را از عدالت سرشار ساخته‌ای ؟

وَأَذَقْتُ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا

و دشمنانت را به ذلت و مجازات چشانده‌ای ...

وَأَبْرَتَ الْعُتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ

و سرکش‌ها و منکران حقیقت را نابود کرده‌ای...

وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ

ریشه‌ی متکبران را از بیخ و بن برکنده‌ای...

وَاجْتَنَنْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ

و اصل و اساس ظلم را نابود کرده‌ای...

وَنَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و ما می‌گوییم: ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ [الْكُرْبِ] وَالْبَلَاةِ

خدایا، تویی که سختی‌ها و بلاها را از میان برمی‌داری

وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى

به تو شکایت می‌برم، که بازگشت همه سوی توست...

وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى
و تو پروردگار آخرت و دنیایی...

فَاغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عَبْدَكَ الْمُبْتَلَى
پس یاریم کن ای فریادرس فریادخواهان ، این بنده ی گرفتار را دریاب...

وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى
و آقایش را به او بنما ، ای نیرومند توانمند...

وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى
و غم و اندوه را به واسطه ی او از دلش بزدای...

وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى
و آتش سوزان درونش را آرام کن ، ای آن که بر عرش نشسته ای...

وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى
و کسی که بازگشت و پایان به سوی اوست...

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَبَنِيِّكَ

خدایا! ما بندگان مشتاق توایم، در جست و جوی ولی ای که یاد تو و پیامبرت را زنده می دارد...

خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذاً

او را برای ما پناه و عصمتی قرار دادی...

وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَاماً وَمَعَاذاً

و او را ستون و پناهگاهی برایمان برپا ساختی...

وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَاماً

و او را امامی برای مؤمنان از میان ما قرار دادی...

فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَاماً وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَاماً

پس درود و سلام ما را به او برسان، و با این لطف، بر بزرگواری مان بیفزای پروردگار کریم...

وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرّاً وَمُقَاماً

و محل اقامت او را، اقامتگاه و آرامشگاه ما قرار بده...

وَأَتِمُّمُ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ
و نعمت خود را با مقدم داشتن او بر ما کامل گردان، تا ما را به بهشت و همراهی با شهیدان
برگزیده‌ات رسانی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ
خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست، و بر محمد، پدر بزرگش و فرستاده‌ات، آن بزرگوار
برتر

وَعَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَجَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
و بر پدرش، آن بزرگوار فروتن، و بر مادر بزرگش، صدیقه‌ی کبری، فاطمه دختر محمد (درود
خدا بر او و خاندانش)

وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةَ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ
و بر پدران نیکوکارش که برگزیدی، و بر او برترین و کامل‌ترین درودها را بفرست

وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ وَأَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
درودی تمام، پایدار، فراوان‌تر و پر برکت‌تر از هر درودی که بر یکی از برگزیدگان و خاصان
خلقتت فرستاده‌ای

وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدِّهَا

و بر او درود فرست، درودی بی پایان از نظر شمار

وَلَا نِهَایَةَ لِمَدِّهَا، وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا

و بی نهایت از نظر مدت، و پایان ناپذیر از نظر زمان

اللَّهُمَّ وَأَقِمَّ بِهِ الْحَقَّ، وَأَذْهِضْ بِهِ الْبَاطِلَ

خدایا! با او حق را برپا دار، و با او باطل را ریشه کن ساز

وَأَذِلَّ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلَّ بِهِ أَعْدَاءَكَ

و با او دوستانت را عزیز گردان، و دشمنانت را خوار و زبون نما

وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصْلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ

خدایا! میان ما و او پیوندی برقرار فرما که ما را به همراهی با نیاکان پاکش رهنمون شود

وَأَجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ

و ما را از کسانی قرار ده که دامن ایشان را می گیرند

وَيَمُكِّثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ

و در سایه ایشان قرار می گیرند، و در انجام حقوقش یاری مان ده

وَالْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ

و توفیق تلاش در بندگی او و دوری از نافرمانی اش عطا فرما

وَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاكَ

و از رضایت او ما را بهره مند کن

وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ

و مهر و رحمت و دعای او و نیکویی اش را به ما ببخش، که از طریق آن به گستردگی رحمت تو دست یابیم

وَقَوِّزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً

و رستگاری نزد تو نصیبمان ساز، و نمازمان را به واسطه او پذیرفته قرار ده

وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً

و گناهانمان را از رهگذر او آمرزیده، و دعایمان را مستجاب فرما

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمْومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً

و روزی هایمان را به واسطه او گسترده، و نگرانی هایمان را برطرف کن

وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ

و نیازهایمان را روا گردان، و روی گرامی ات را به سوی ما بنما، و قرب ما را نزد خود بپذیر

وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ

و با نگاه مهربانانه ات به ما بنگر که کرامت نزد تو را به کمال رساند، و آن را به فضل خود از ما بازمدار

وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِئُتًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ

و ما را از حوض جدّ او (صلی الله علیه و آله) با دست مبارکش سیراب ساز، سیرابی ای گوارا و شیرین، که پس از آن هرگز تشنه نشویم

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای مهربان ترین مهربانان ...